

نگاهی به پیشینه مقاومت مردم مشهد و خراسان در برابر متجاوزان

مشهد، شهر ایثار و ایستادگی



تیمینات نظامی یکی از فوج‌های ارتش قاجاری



تنی چند از صاحب منصبان گروه صد نفره سوار جدید قزاق خراسان در دوره قاجار. سال ۱۳۰۹ قمری، عکاس عبدا... قاجار

۱۱ هزار و ۲۷۵ نفر نیروی نظامی داشته است.

در دهم فروردین سال ۱۲۹۱ خورشیدی که مصادف است با به توپ بستن حرم مطهر، اگرچه آمارى از خود نظامیان خراسان در دست نیست، تعداد قوای روس در مشهد حدود ۲ هزار نفر گزارش شده است. نظامی نیز هست. این اتفاق به‌طور دقیق در سال ۱۲۹۷ خورشیدی رقم می‌خورد که احمد قوام السلطنه به والیگری خراسان می‌رسد. او همراه خود عده‌ای ژاندارم را به فرماندهی مازور (سرگرد) محمد حسین جهانبانی به مشهد می‌آورد؛ این اولین بار است که قشون نظامی با انضباط و با سواد در مشهد دیده می‌شود.

● ترکیب قزاق‌ها و ژاندارم‌ها در لشکر مدرن ساختار و نیروهای ژاندارمری در مرداد ۱۲۹۹ با ورود کلنل محمد تقی خان پسیان به‌عنوان فرمانده این قوا، توسعه اساسی می‌یابد. به‌طوری‌که تا خرداد ۱۳۰۰ نیروهای ژاندرمری در مشهد به ۳ هزار و ۲۷۰ سوار، پیاده، توپچی، مسلسلچی و... می‌رسد. پس از قتل پسیان در مهر سال ۱۳۰۰، تعداد نیروهای ژاندارمری به کمتر از نصف می‌رسد اما طولی نمی‌کشد که ۱۵۰۰ ژاندارم باقی‌مانده نیروهای ژاندارمری مشهد، به جمع هفتصد قزاق، سیصد ژاندارم و سی نفر امنیه‌ای می‌پیوندند که آنان همین سال همراه حسین آقاخان خراعی میرینج (سرتیپ یا امیرینجه) به مشهد می‌آیند.

چهاردهم دی این سال زمانی است که همه قوای نظامی موجود در مشهد ادغام می‌شوند و قشونی



تشریف‌واحدهای یادگان مشهده به حرم در ۴ بهمن ۱۳۵۱. منبع: روزنامه خراسان، شماره ۶۸۲۸، چاپ ۵ بهمن ۱۳۵۱

تعداد ۵ هزار و ۲۴۵ شهید، ۲۸۰ مفقودالثر، ۱۵ هزار و ۹۴۹ جانباز و ۲ هزار و ۸۶۵ اسیر داشته باشد.

علاوه بر این، نیروهای سپاه پاسداران و بسیج نیز که پس از انقلاب در کنار ارتش قرار می‌گیرند، حضوری چشمگیر و اثرگذار در جبهه‌های نبرد دارند. پسران جوان و نوجوان مشهدی در قالب لشکر ۷۷ پیاده خراسان، پایگاه پدافند هوایی امام رضا^(ع)، تیپ و لشکر ویژه شهدا، تیپ و لشکر ۲۱ امام رضا^(ع)، تیپ ۱۸ جوادالائمه^(ع)، لشکر ۵ نصر، گروه توپخانه ۶۱ مخرم، تیپ (گروه) مهندسی ۴۵ جوادالائمه^(ع)، تیپ ۱۳، تیپ ۳۱۳ حر، تیپ ۱۲ قائم^(ع)، تیپ ۸۸ انصارالرضا^(ع) و واحد مهندسی رزمی، مهندسی، پزشکی و جهاد سازندگی خراسان، همیشه و همه‌جا هستند. فداکاری خراسانی‌ها در جنگ تحمیلی به‌ویژه انجام عملیات موفقیت‌آمیز ثامن‌الائمه^(ع) و شکست حصر آبادان موجب می‌شود در ۵ مهر ۱۳۶۰ لقب «پیروز» به لشکر ۷۷ خراسان اعطا شود.

در واقع هیچ ساعتی از جنگ نیست که سربازی از شهر مشهد در آن نجنگیده باشد. خراسان بزرگ در مجموع ۳۰۸ هزار و ۲۵۶ بسیجی را به یگان‌های رزم اعزام کرده است و آمارها می‌گویند که بیش از ۵/۹ درصد از کل اعزام‌های کشور از خراسان صورت گرفته است. در آن سو، پس از اصفهان و تهران، خراسان رضوی است که بیشترین شهید را در جنگ ایران و عراق تقدیم کشور کرده است. ما در مجموع ۱۵ هزار و ۱۳۸ شهید داده‌ایم. در این میان، یکی مثل مریم کارگر عزیزی، پنج نفر از اعضای خانواده‌اش را داده و جمعی مثل همسایه‌های کوچه باریک و قدیمی محمدآباد ۲۲ هم هفت نفر از بچه‌هایی را تقدیم کرده‌اند که روزی هم بازی هم بودند.

● مشهد، شهر پناه

سوای اینکه مردم مشهد با تشکیل مجموعه ستاد پشتیبانی جنگ در تهیه و تأمین اقلام مورد نیاز رزمندگان نقش فعالی ایفا می‌کنند، خود شهر نیز شهر پناه است که جمعی مثل مهاجران عرب‌زبان خوزستانی را که در پی وقوع جنگ تحمیلی، مجبور به مهاجرت از سرزمین اجدادی خود شده‌اند، پذیرا می‌شود و پناه می‌دهد. آمارها می‌گویند که استان خوزستان در یک دهه‌منتهی به‌سال ۱۳۶۵ بیشترین مهاجر را به خراسان می‌فرستد، معادل ۶۱ درصد کل مهاجران استان که بیشترشان نیز در مشهد ساکن می‌شوند. این گروه بزرگ همان ابتدای ورود باندبیر «بنیاد امور جنگ‌زنگان» در مجتمع‌های مسکونی خالی و نسبتاً نوساز بانک رفاه کارگران در حاشیه کمربندی و مجاور بولوار شهیدرستمی فعلی مشهد مستقر می‌شوند، مجتمع‌هایی که با حضور حدود ۲ هزار جنگ‌زده خوزستانی، نام «شهرک عرب‌ها» و بعدتر «مجتمع شهید بهشتی» را به خود می‌گیرد.



است که در سال ۵۲۵ پیش از میلاد ویر اثر یک طوفان شن بزرگ، زنده در زیر لایه‌های شن صحرا مدفون شده بودند.

روایت مورخان می‌گوید که این سپاه ایرانی در بامداد روز ۱۹ تیر، هنگامی که سرگرم خوردن ناشتایی بودند، با طوفان عظیمی شن روبه‌رو شدند. فرمانده سپاه پس از آغاز طوفان شن، پیکری را روانه «تیس»، واقع در جنوب مصر کرد تا کامبیز را از مواقع آگاه سازد و شاه بداند که اگر در انجام مأموریت تأخیر نظامی (از جمله سلاح‌های برنزی، دستبندهای نقره‌ای و گوشواره‌ها) کشف شده است. مطابقت این یافته‌ها با اسناد تاریخی این فرضیه را مطرح کرده که این اجساد متعلق به بقایای سربازان ایرانی کمبوجیه دوم، پادشاه هخامنشی ایران،

۵۲۵ سال پیش از میلاد، بر اثر طوفان شن در غرب صحرای مصر اتفاق افتاد

ناپدید شدن سپاه ۵۰ هزار نفری ایران

آمون (پروردگار بسیاری از اقوام قدیمی) به لیبی می‌فرستد. این عده با چند راهنما تا واحه سیوه در ناحیه مرزی مصر و لیبی پیش می‌روند اما هرگز باز نمی‌گردند. این موضوع سبب می‌شود برای سال‌های بسیاری، پژوهشگران فصلی رادر پژوهش‌ها با عنوان «در جست‌وجوی سپاه گم‌شده پارسیان» باز و شروع به تحقیق درباره این واقعه تاریخی کنند.

حسین بیات | سابقه حضور و وجود قوای نظامی در مشهد به بیش از چند قرن می‌رسد. زیرآ سرزمین پهناور و زرخیز خراسان از دیرباز در معرض تاخت‌وتاز اقوام غارتگر و خون‌ریز ازبک، ترکمن، افغان و روس قرار داشته است. از دوره هخامنشیان، همواره باغیان شرقی چشم طمع به ثروت و زمین‌های این دیار داشته‌اند و در مقابل، جنگاورانی از خطه خراسان برای دفاع از وطن خویش دست به شمشیر و سلاح برده و رشادت‌ها کرده‌اند. همین است که مشهد در هر عصر و دوره‌ای شهر ایثار و شهادت بوده است.

● ارتقای سواران طوایف به ژاندارم

نگاهی به گذشته می‌گوید که هرگاه حکومت مرکزی ایران در مرزهای غربی با امپراتوری عثمانی وارد جنگ شده، طوایف متحد ازبک، ترکمن و افغان در مرزهای شرقی سر از سوراخ‌های خود بر آورده و به خراسان تاخته‌اند؛ به همین منظور در خراسان قدیم، قشونی از سواران طوایف و قبایل شهرهای مختلف تشکیل می‌شود تا در مقابل تعدی مهاجمان مقاومت کند. ابتدا شاه عباس صفوی از کرد‌های جنگجوی ولایات غربی ایران بهره می‌گیرد و آن‌ها را به شمال و شمال شرق خراسان کوچ می‌دهد، سپس نادرشاه هم چنین می‌کند تا خراسان به قراقره اصلی قشون ایران بدل شود.

در دوره فتحعلی‌شاه قاجار که عباس میرزا نایب السلطنه (قهرمان جنگ‌های ایران و روسیه) والی خراسان می‌شود، شش فوج (یا شش هنگ) سرباز در مشهد به سال ۱۲۱۱ خورشیدی حاضر به جنگ می‌شوند. به این منظور ۴ هزار سوارکار از خراسانیان معین می‌شوند که موجب و حقوقشان از مالیات خراسان مقرر شده است.

کلنل بی‌ام مک‌گیگور که سال ۱۲۵۳ خورشیدی به ایالت خراسان می‌آید، در سفرنامه‌اش، قوای نظامی این ایالت را شامل هنگ‌های نظامی عرب، عجم، دامغان، سمنان، قرایی، ترشیز (کاشمر) و قزوین بیان می‌کند که هر کدام در بیرون شهر و هر جا که پیش آمده، اردو زده‌اند.

تشکیل قراقخانه مشهد در سال ۱۲۷۰ خورشیدی روی می‌دهد که ۹۳ سرباز و هفت افسر به دستور ناصرالدین‌شاه قاجار به مشهد وارد می‌شوند. یک سال بعد، قوای نظامی پیاده در مشهد به سه فوج یا هنگ حدود هشتصد نفره می‌رسد و کل خراسان هم

دو تصویر از آتش‌افشانان صحرای مصر

تقویم تاریخ

فرخ‌دراویت‌های تاریخی می‌گویند که ۵۲۵ سال پیش از میلاد، سپاه ۵۰ هزار نفری ایران که از سوی کمبوجیه (پسر و جانشین کوروش کبیر) مأمور شناخت و تصرف مناطق جنوبی لیبی و ضمیمه‌ساختن آن‌ها به متصرفات ایران در مصر شده بود، در غرب صحرای مصر و در منطقه «واح سیوا» گرفتار توفان شن و برای همیشه در زیر تلی از خاک مدفون شد. در کتاب سوم تاریخ هردوت آمده است که کمبوجیه دوم پس از تسخیر سرزمین مصر، سه لشکر از سپاهیان خود را جدا می‌کند و سپس نخستین سپاه را مأمور فتح کارتاژ (تونس کنونی) می‌کند، دومی را به عزم تصرف حبشه و دسته سوم را (که هر دودت نوشته است ۵۰ هزار نفر بوده‌اند) برای انقیاد آمونی‌ها یا پرستندگان

خراسان نامه

گذری بر تاریخ تعویض سکه از قاجار به پهلوی که در سال‌های ۱۳۰۴ و

۱۳۰۹ اتفاق افتاد و مشکلات فراوانی بر ای مردم ایجاد کرد

وقتی شاهان از سکه افتادند



گروه تاریخ و هویت، تا پیش از رواج کارت‌های بانکی، انواع پول برای قرن‌ها، تنها وسیله مبادله کالا و تأمین نیاز مردم بود؛ پول‌هایی که اغلب سکه و از انواع فلز بودند و ضرب آن‌ها به‌آسانی اتفاق نمی‌افتاد؛ با این همه پول نخستین چیزی بود که با تغییر حکومت‌ها تغییر می‌کرد. گاهی هم فرسوده شدن فلز پول پس از سال‌های بسیار، حکومت‌ها را وادار به ضرب سکه جدید می‌کرد؛ اتفاقی که در زمستان سال ۱۳۰۹ خورشیدی در ایران رخ می‌دهد؛ پیشکار کل مالیه خراسان اعلامی را به جراید می‌دهد و از مردم می‌خواهد مسکوکات (پول‌های فلزی) خود را که به دلیل دست‌به‌دست شدن آسیب دیده‌اند، تحویل دهند و تهدید می‌کند هر کس از این دستور سرپیچی کند، به نظمیۀ تحویل داده می‌شود. او در این دستور می‌گوید: «اِعلان در خصوص جمع‌آوری مسکوکات معیوب شامل کلیه مسکوک سوراخ‌دار، شکسته، دسته‌دار، کم‌وزن شده به واسطه مواد شیمیایی، تیزابی، سوهان‌کاری یا بر اثر کثرت استعمال را تحویل دهند. بیان شرایط خرید آن‌ها، موارد استثنا و معرفی اشخاص مخالف با دستورات ذکرشده به نظمیۀ جهت تعقیب.» این موضوع مشکلات زیادی برای مشهدی‌های آن روزگار ایجاد می‌کند، آن‌چنان‌که جراید وقت در چند نوبت این اعلان را به دل روزنامه‌ها می‌کشاند تا مردمی که با این موضوع مخالفت داشتند، فریاد اعتراض خود را به گوش جریده‌نویسان برسانند. البته این نخستین بار نبوده است که موضوع تحویل مسکوکات دردسرساز می‌شود؛ پیش‌ازین و در سال ۱۲۴۴ خورشیدی نیز با پایان گرفتن سلطنت قاجارها این موضع اسباب زحمت و اعتراض می‌شود؛ زیرا حکومت‌داران ظالم، پول رایج حکومت سابق را با مبلغ بسیار کمی از مردم می‌خریده و در این میان افراد ضعیف جامعه با مشکلات معیشتی و اقتصادی بسیاری روبه‌رو می‌شده‌اند.

● هر هفته قریب ۳۰۰ مکتوب به اداره ما می‌رسد

برای نمونه، روزنامه «اطلاعات»، ۱۰ دی ۱۳۴۴ خورشیدی می‌نویسد: «موضوعی که چندی است رعایای فقیر ایران را دچار زحمت فوق‌العاده نموده، قضیه مسکوکات معیوبه است؛ در هفته قریب سی مکتوب به اداره ما می‌رسد که اهالی ولایات از این حیث شکایات مؤثری نموده و تقاضای رفع زحمت و ظلم می‌نمایند. از آنجایی‌که در مشهد که مرکز ایالت است، با وجود اعلان شدیدالحن آقای کفیل ایالت، باز هم صرافان شاید از هر دو قرانی، شش شاهی و دو عباسی کسر کرده و مردم را ذایت می‌کنند، حال ولایات دور از مرکز معلوم است.»



۳ بهمن همین سال دوباره این موضوع که حل نشده بوده، به‌تیتریک جراید روز بدل می‌شود. روزنامه «آزادی» می‌نویسد: «چون موضوع صرف اسکناس‌ها یک زحمتی برای مردم شده و باوجود اینکه مدتی است قرار شده شعبه بانک شاهنشاهی طهران و سایر نقاط اسکناس‌ها را بدون کسر نهادن صرف، قبول نماید، مع‌هذا شعبه بانک شاهنشاهی باز هم صرف می‌گرفت. به‌قرا از اطلاعات حاصله از موقعی که بانک ملی مشهد تشکیل شده اسکناس‌های همه‌جا را بی‌صرف قبول می‌کند و...»

با این همه «اطلاعات» به تاریخ همین روز، چنین سپاهه می‌کند: «موافق شکایات متواتره‌ای که از شهر و ولایات می‌رسد، قضیه مسکوک خیلی باعث آزار مردم شده. در ولایات که به‌کلی ترتیب تجارت و کسب را دچار وقفه و تعطیل نموده است. خوب بود دولت در تمام نقاط به وسایل مقتضیه به‌فوریت این پول‌ها را با مسکوکات نو و بدون عیب مبادله می‌نمود، رفع این قضیه را از رعایا بنمایند.» چهار سال بعد، علاوه بر موضوع مسکوکات که همچنان اسباب آزار مردم و حل نشده باقی مانده بوده، تغییر تمبر نیز به یک مشکل دیگر تبدیل می‌شود. روزنامه «آزادی» روز یک خرداد ۱۳۰۸ می‌نویسد: «از اداره پست اطلاع می‌دهند که از اول خرداد، تمبرهای جدیدی جریان گذاشته شده و تمبرهای قدیم به‌کلی منسوخ است و اشخاصی که تمبر قدیم دارند تا سه ماه دیگر می‌توانند آن را به اداره پست برده و با تمبر جدید معاوضه نمایند، والا از اول شهریور تمبر منسوخه را اداره پست قبول نخواهد کرد.»

ماجرای مسکوکات تا سال‌ها ادامه دارد و لاینحل باقی می‌ماند. در خبری کوتاه به تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۰۸ در یکی از جراید مشهد چنین می‌خوانیم: «بر اثر لایغیه اخیر مالیه، راجع به کسر نهادن مسکوکات معیوب چون بانک ملی از قبول مسکوکات مذکور امتناع می‌نمود، در بازار صراف‌ها و کسبه خیلی مردم را ذایت نموده و حتی مسکوکی که مختصر ساییدگی یا نقصی داشت، ربع قیمت کم می‌کردند و این مسئله از طرفی به‌تدریج امور کسب و مبادله را فلج و از جانی مسکوک نقره را از اعتبار انداخته و اسکناس از قیمت اصلی خود ترقی کرده بود.»

این روزنامه چند روز بعد با بیان اینکه دیگر بانک‌ها مسکوک معیوب را قبول می‌کنند، توضیح می‌دهد که با این همه همچنان بازار روزگبری از مردم فرودست داغ است: «از موقعی که بانک ملی مسکوک معیوب را قبول می‌کند، امور معاملاتی و داد و ستد در بازار قدری سهل شده ولی هرگاه کسی از صراف‌ها اسکناس بخواهد، تومانی صد دینار صرف مطالبه می‌نمایند.»

این موضوع یک ادریبهشت ۱۳۱۱ با چاپ نخستین اسکناس پهلوی اول به پایان رسید.